

تحلیل اثرات شهرگرایی بر تغییر و تحولات سبک زندگی زنان روستایی مورد شناسی: شهرستان الشتر

محمد حجی‌پور* (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران)

احمد رومیانی (دانش آموخته دکتری جغرافیا و آمایش کیفیت محیطی مناطق روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

معصومه نظری شیخی (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

سمیه حق نظری (کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران)

هادی نیازی (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)

چکیده

در چند سال اخیر در مناطق روستایی کشور، توجه زنان به شهرگرایی، نگرش جدیدی را در آن‌ها به وجود آورده است و آن‌ها را با تغییرات فکری در ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم و رفتارهای جمعیتی همراه ساخته است؛ به طوری که زمینه را برای تغییر و تحولات در سبک زندگی آن‌ها به وجود آورده و جهت‌گیری خاصی به آن‌ها منتقل کرده است؛ براین اساس هدف از این پژوهش، تحلیل اثرات شهرگرایی بر تغییر و تحولات سبک زندگی زنان روستایی در شهرستان الشتر است. روش مورد استفاده، توصیفی-تحلیلی و شیوه و ابزار جمع‌آوری داده‌ها در مطالعه نظری به صورت کتابخانه‌ای بوده و در مطالعه میدانی از پرسشنامه و مشاهده کمک گرفته شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و مدل کوپراس استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق ۱۰ روستای شهرستان الشتر است که از طریق نمونه‌گیری فرمول کوکران ۱۷۷ زن به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی ساده بین آن‌ها توزیع شده است. نتایج تحقیق نشان داد که بین مؤلفه‌های شهرگرایی و مؤلفه‌های سبک زندگی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد؛ به طوری که ضریب همبستگی برای الگوی تغذیه ۰/۳۲۴، کاربرد فناوری نوین ۰/۳۲۵، تغییر در لباس و پوشاک ۰/۲۷۵، درآمدزایی ۰/۱۱۷، مادی‌گرایی ۰/۳۰۵، تغییر فرهنگی و زبانی ۰/۳۱۱، مدگرایی ۰/۵۸۷، مصرف‌گرایی ۰/۵۶۳، برخورد با محیط‌زیست ۰/۳۸۶ و نحوه استفاده از انرژی و منابع ۰/۳۲۷ است؛ بنابراین اثرات شهرگرایی زمینه را برای تغییر سبک زندگی زنان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی در روستاهای شهرستان الشتر به وجود آورده است.

تاریخ دریافت: ۲۱ اسفند ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۸ شریور ۱۳۹۹

صفحات: ۱۶۶-۱۴۳



کلید واژه‌ها:

شهرگرایی، سبک زندگی، زنان روستایی، روستاهای شهرستان الشتر.

* نویسنده مسئول: دکتر محمد حجی‌پور

پست الکترونیک: mhajipour@birjand.ac.ir

مقدمه

آنچه امروز اهمیت روزافزونی می‌یابد، این است که نه تنها جوامع به گونه کلی، بلکه جماعت روستایی نیز در حال پیچیده‌تر شدن روزافزون است. این گونه پیچیدگی‌ها در تنوع‌پذیری الگوهای فعالیت و جابه‌جایی افراد، خانوارها و نهادها و به طور کلی در حجم روزافزون جریان داده‌ها، سرمایه، نوآوری و... به خوبی قابل شناسایی است (سعیدی، ۱۳۹۰: ۴). در این میان، رشد جمعیت، شهرگرایی و بازدهی‌های نزولی در واحدهای کوچک مناطق روستایی، نشانگر آن است که تعامل و پیوندهای روستایی-شهری در اجتماعات روستائیان، اقتصاد محلی و نحوه معیشت تعداد کثیری از آنان نقش مهم و روبه‌گسترشی دارد. گرایش‌های جاری در توجه به جریان افراد، کالا، پول و سرمایه، داده‌ها و نوآوری، آموزش و فرهنگ و همچنین الگوهای تنوع‌پذیری مشاغل، اهمیت بررسی بازتاب‌های این گونه دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاصل از این روندها را مطرح می‌سازد (لین، ۲۰۱۳: ۸۶). از طرفی افزایش روند شهرنشینی در دهه‌های گذشته، نه تنها شهرهای موجود را با گسترش فیزیکی و جمعیتی مواجه ساخته، بلکه به دگرگونی سکونتگاه‌های روستایی و گذار یا تبدیل آن‌ها به شهر نیز دامن زده است (ایزدی و نوذری، ۱۳۹۲: ۸۱)؛ بنابراین تاکنون در بیشتر نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه‌ای متمرکز بر موضوعات شهر یا روستا، توجه و تأکید کمتری بر روابط بین این دو سکونتگاه شده است (محمدی‌یگانه و حسین‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۶). این در حالی است که مطالعات تجربی متعدد، حاکی از آن هستند که پیوند بین مراکز شهری و حومه‌های آن‌ها، مشتمل بر جابه‌جایی مردم، کالاها، سرمایه یا دیگر تعاملات اجتماعی، نقش مهمی در فرایند تغییرات شهری و روستایی دارند؛ بنابراین از یک سو در محیط اقتصادی

بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها وابسته به تقاضا از جانب مشتریان روستایی است و دسترسی به خدمات و بازارهای شهری اغلب برای کشاورزان بسیار مهم و ضروری است (تاکی، ۱۹۹۸: ۱۴۷) و از سوی دیگر در محیط اجتماعی، روستائیان تحت تأثیر رفتارها و جریانات مصرفی و مُدگرایی، تغییر فرهنگی و زبانی و مادی‌گرایی شهری قرار دارند؛ بنابراین نخستین پیوند تنگاتنگ شهر و پیرامون از طریق رابطه‌ای است که شهر با روستاهای پیرامون برقرار می‌کند. شهر چه کوچک و چه بزرگ‌انداز، می‌تواند بر پیرامون خود، به‌ویژه روستاهای اطراف، اثر بگذارد و هر قدر توان بیشتری در هدایت ناحیه داشته باشد، به همان اندازه منطقه نفوذ وسیع‌تری خواهد داشت و شعاع پرتوافشانی آن در زمینه‌های مالی، حمل‌ونقل و سایر خدمات، برد بیشتری می‌یابد. در این راستا، همه واحدهای جغرافیایی به‌ویژه روستاهایی که در مسیر پرتوافشانی قرار می‌گیرند، از شهر تأثیر می‌پذیرند (مکانیکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۳). پارادایم‌های جدید توسعه، شبکه‌ها و جریان‌ها را در نظر می‌گیرند؛ چراکه جریان‌ها و پیوندهای بین نواحی روستایی و شهری مهم است (لینچ، ۲۰۰۵: ۵). در این بین کانون‌های کوچک شهری، اولین هسته‌های شهری و بلافاصله نقاط روستایی و به‌عنوان حلقه اتصال نواحی روستایی با شهرهای بزرگ قلمداد می‌شوند که هرگونه تحرک و فعالیت در این کانون‌ها، در وهله نخست و بی‌واسطه، حوزه‌های روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (فنی، ۱۳۸۲: ۴۴).

از آنجا که شهرنشینی فرایندی پویاست که طی آن شاهد نوعی انتقال و حرکت هستیم، این فرایند انتقالی (تبدیل مناطق روستایی به مراکز شهری) دربردارنده نوعی تغییر در سبک زندگی، نظام ارزشی و هنجاری

شتاب بیشتری برخوردار بوده‌است. بسیاری از روستاها از ظواهر مدرنیته و کاربرد تکنولوژی‌هایی چون وسایل ارتباطی مانند تلویزیون، ماهواره و... با از میان برداشته شدن کد مخابراتی بین شهر و روستا، اینترنت، اتومبیل، استفاده از لوازم برقی در منزل و بسیاری از مواهب جدید دیگر بهره‌مند شده‌اند. این بهره‌مندی در واقع به معنای تغییر و دگرگونی در مصرف و الگوی مصرفی روستاهاست (ازکیا و حسینی رودبارکی، ۱۳۸۹: ۲۴۳).

هدف از این پژوهش تحلیل اثرات شهرگرایی بر تغییر و تحولات سبک زندگی زنان روستایی در شهرستان الشتر است؛ از این رو در راستای توصیف وضعیت شهرگرایی، به این معنا که شیوه‌های زندگی زنان روستایی شهرستان الشتر تا چه اندازه از ویژگی‌های شهرگرایی تبعیت کرده، ابتدا مؤلفه‌های شهرگرایی و بعد مؤلفه‌های سبک زندگی با استفاده از نظریات مشخص شده‌است، سپس از طریق آن دسته از نظریات که به تبیین شهرگرایی و شیوه‌های سبک زندگی روستایی پرداخته‌اند، عوامل تاثیرگذار انتخاب و سؤالاتی در باب تبیین وضعیت سبک زندگی روستاییان در محدوده مورد مطالعه پرداخته شده‌است. ۱- سبک زندگی زنان روستایی در محدوده مورد مطالعه تا چه اندازه از مؤلفه‌های شهرگرایی تأثیر پذیرفته است؟ ۲- بین مؤلفه‌های سبک زندگی و مؤلفه‌های شهرگرایی در محدوده مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری

شهرگرایی یکی از مفاهیم اساسی در ارتباط با فرهنگ شهری و شهروندی محسوب می‌شود که ناشی از مناسبات و روابط پیچیده اجتماعی و فرهنگی و شیوه تفکر است که مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها را

است؛ بنابراین شهرنشینی با دو نوع تغییر همراه است؛ نخست، تغییر جمعیتی که تغییری عینی، ملموس و قابل‌سنجش با مقدار کمی است. این نوع تغییر، صبغه‌ای جمعیت‌شناختی دارد و بیشتر مورد مطالعه جمعیت‌شناسان است. نوع دوم، تغییر در سبک زندگی و نظام ارزشی و هنجاری است که نخست از عینیت کمتری برخوردار است و دوم بیان آن با میزان‌های کمی میسر نیست، زیرا این نوع تغییر، رنگ و بوی جامعه‌شناسی دارد و نیازمند تحلیل جامعه‌شناختی است؛ بنابراین با وجود جریان‌ات و عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که بین شهرها و روستاییان وجود دارد، زمینه را برای تغییراتی اجتماعی به‌خصوص سبک زندگی در میان زنان روستایی به‌وجود آورده‌است و در نهایت سبک جدیدی از زندگی (شامل شیوه گذران اوقات فراغت، لباس و پوشاک، تغذیه، مدیریت غذا، سبک معماری و چیدمان داخلی منازل) را پدید آورده‌است. در واقع میان فضای زیستی (روستا) و سبک زندگی انسان‌ها با خواسته‌ها و تمایلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنان رابطه وجود دارد و روابط بین شهر و روستا نماد برجسته این رابطه است. بنابراین این خواسته‌ها در دو دهه اخیر در کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه در مناطق روستایی سبب شده‌است که زنان تحت تأثیر این خواسته و تمایلات قرار گیرند. به طوری که مشاهدات مکرر محقق از روستا در سال‌های اخیر، مبین تغییراتی است که در زندگی زنان روستاییان به‌وجود آمده‌است. تغییراتی که علاوه بر الگوی مصرف در ساختارهایی چون آداب و رسوم، عقاید و ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها، هنجارپذیری و هنجارسازی و به‌طور کلی سبک زندگی آمده‌است. الگوی مصرف، وسایل خانگی، تزئینات منزل، خوراک، پوشاک و... که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان سبک زندگی نام برد، در این سال‌ها به شدت تغییر کرده‌است. این تغییرات در جامعه روستایی نسبت به جامعه شهری از

شهرگرایی وجود دارد؛ بنابراین براساس نظریات رویکرد جبرگرایی، می‌توان گفت که بستر شهر و شهرنشینی با توجه به عوامل و ویژگی‌های مرتبط با آن، شیوه زندگی شهرگرایی مبتنی بر ویژگی‌های خاص ذکرشده را به وجود می‌آورد و زندگی حاصل جبر محیط شهری است.

۲- رویکرد ترکیبی: تعداد قابل‌توجهی از محققان، دیدگاه جبرگرایی را مورد نقد قرار داده و به دیدگاهی ترکیبی روی آورده‌اند. ترکیب‌گرایان، تفکیک شدید بین شهر و روستا را به‌عنوان دو عنصر مخالف نپذیرفته‌اند و معتقدند که اصلاً مقایسه‌ای این‌چنین سخت و قاطع بین ویژگی‌های شهر و روستا ممکن نیست. البته ترکیب‌گرایان به تفاوت‌های روانی-اجتماعی شهریان و روستاییان واقف و معترف‌اند، اما آن را حاصل عواملی نظیر تفاوت‌های طبقاتی، قومیت، سن، جنس، وضعیت تأهل، درآمد، وضعیت تحصیلی، نژاد، نوع شغل و پیشینه افراد می‌دانند و نه ناشی از نوع زندگی شهر؛ یعنی شیوه‌های عمده زندگی که در شهرها یافت می‌شود منحصر و محدود به شهر نیست و هر جای دیگر نیز می‌توان آن را پیدا کرد. رویکرد ترکیبی بر وجود پیوندهای اجتماعی قوی و گروه‌های به‌هم‌پیوسته متعدد در میان شهریان تأکید می‌کند و مانند جبرگرایی نیست که بیان کند که در شهر فقط شهرگرایی حاکم است. ازجمله نظریه‌پردازان این دیدگاه، لوئیس، استون، دانکن، رایز، وایت، ستلز، ژاکوبز و گنز هستند (جلائی‌پور و عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۱۸). درمجموع، می‌توان گفت که در رویکرد ترکیبی، شهر دربردارنده شیوه زندگی خاصی نیست و برعکس رویکرد جبرگرایی، حلقه‌های روابط صمیمانه و پیوندهای عاطفی در شهر وجود دارد، شیوه‌های مختلف زندگی در بین شهرنشینان متأثر از ویژگی‌های نظیر طبقه، سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت تحصیلی، قومیت، نژاد و نوع شغل است.

به وجود می‌آورد (کیوز^۴، ۲۰۰۵: ۵۰۱). معمولاً شهرگرایی با تغییرات و دگرگونی در ارزش‌ها، آداب و رسوم، رسوم اخلاقی و رفتارهای جمعیتی همراه است. ویژگی‌های شهرگرایی عبارت‌اند از: تناقضات در هنجارها، تغییرات فرهنگی، تحریک اجتماعی و فردگرایی؛ به‌عنوان مثال: در شهرهای کشورهای درحال توسعه، بخش عمده‌ای از جمعیت را مهاجران روستایی شهرهای کوچک تشکیل می‌دهند، اما با گذشت سال‌ها هنوز بر آداب و رسوم و فرهنگ بومی خود پایبند هستند (شکوئی، ۱۳۸۷: ۲۵)؛ بنابراین شهرگرایی در مفهوم وسیع آن به همه ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و شیوه زندگی شهری اطلاق می‌شود.

جامعه‌شناسی صرفاً پدیده‌های اجتماعی را توصیف نمی‌کند و در پرتو نظریه‌هایش به تبیین پدیده‌ها نیز می‌پردازد تا امکان نگاه ژرف‌تر به جامعه و مسائل آن را برای ما فراهم کند؛ بنابراین دیدگاه‌های نظری درباره شیوه‌های زندگی شهرگرایی را می‌توان به سه رویکرد جبرگرایی (اکولوژیک)، ترکیبی و خرده‌فرهنگی تقسیم کرد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹ و شارع‌پور، ۱۳۸۷) که در ادامه به ارائه این دیدگاه‌ها پرداخته شده است.

۱- رویکرد جبرگرایی (اکولوژیک): این دیدگاه مهم‌ترین و بانفوذترین نظریه درباره شیوه‌های زندگی شهری و شهرگرایی است. این دیدگاه از منظر نظریه‌پردازان به دلیل متغیرهای اکولوژیک، مانند: جمعیت زیاد و متراکم، عدم تجانس ساکنان، اقتصاد پولی، وسایل آسان ارتباطات و رفت‌وآمد و محرک‌های شهری، بر شیوه‌های زندگی افراد تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که زندگی شهرنشینان با ساکنان دیگر مکان‌ها مثل روستا متفاوت باشد. یعنی در بین شهرنشینان، شیوه زندگی ویژه‌ای تحت عنوان

4. Caves

چنین وضعیتی، رویکرد ترکیبی بر ویژگی‌هایی نظیر طبقه، نژاد، قومیت، جنسیت، سن، وضعیت تحصیلی، وضعیت تأهل، درآمد و نوع شغل تأکید دارد. رویکرد خرده‌فرهنگی نیز این ویژگی‌ها را مؤثر دانسته، اما متغیرهای اکولوژیک را نیز وارد تحلیل کرده و بر این نظر است که متغیرهای اکولوژیک، نظیر جمعیت زیاد، به شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها براساس ویژگی‌های افراد می‌انجامد؛ بنابراین بین شیوه‌های زندگی شهر و روستا از این لحاظ تفاوت وجود دارد. اگرچه دیدگاه ترکیبی به متغیرهای بیشتری در تبیین و تحلیل شیوه‌های زندگی در شهر توجه کرده‌است و تحلیل کامل‌تری را نسبت به جبرگرایان ارائه می‌دهد، بی‌توجهی به خود مکان باعث می‌شود که تحلیل ترکیب‌گرایان نقص داشته باشد (جلائی‌پور و عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۱۹).

سبک زندگی

سبک زندگی از جمله مفاهیم علوم اجتماعی است که در دهه‌های اخیر به آن توجه شده‌است. این مفهوم قدمتی کمتر از یک قرن دارد و آن را محصول مدرنیته می‌دانند. مفهوم سبک زندگی در جامعه سنتی جایگاه ندارد، زیرا در این دوره تجانس و هم‌شکلی، امکان بروز تمایز را نمی‌دهد. در جامعه مدرن که تنوع و تکثیر کالا و آزادی فردی در مصرف از ویژگی‌های آن است، سبک زندگی متنوع امکان بروز پیدا می‌کند (افراسیابی و مرادی‌فر، ۱۳۹۴: ۷۸). سبک زندگی در نگاهی کلی، به الگویی منحصر به فرد از ویژگی‌ها و عادت‌های رفتاری انسان در زندگی روزمره و موقعیت‌های اجتماعی اشاره دارد. هرچند در سال‌های اخیر مفهوم سبک زندگی بیشتر توسط رویکردهای جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی و در حوزه الگوهای مصرف و کاربرد آن در میان گروه‌ها و طبقات گوناگون اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است، اما امروزه مطالعات سبک زندگی به حوزه‌ای بین رشته‌ای تبدیل شده و با نظریه‌های

۳- رویکرد خرده‌فرهنگی: صاحب‌نظر اصلی دیدگاه خرده‌فرهنگی، کلود فیشر^۵ است که در مقاله خود تحت عنوان «به‌سوی تئوری خرده‌فرهنگی شهرگرایی» (۱۹۷۵)، ادعا می‌کند که بیشتر تفاوت‌های موجود در بین افراد در کلان‌شهر به دلیل عوامل زمینه‌ای مثل طبقه و نژاد بوده‌است. سهم ویژه رفتار در بین افراد براساس محل سکونتشان متفاوت است؛ یعنی به دلیل اندازه جمعیت شهر، ساکنان شهر بزرگ فرصت دارند به شیوه‌هایی عمل کنند که ساکنان روستا معمولاً آن را به‌سختی می‌یابند. براساس دیدگاه خرده‌فرهنگی در زندگی شهری، ساکنان شهر برای برقراری رابطه با افراد متنوع‌تر، از کسانی که در مکان‌های با جمعیت کمتری زندگی می‌کنند فرصت بیشتری دارند. این روابط یا شبکه‌ها هستند که تفاوت در شیوه زندگی مشاهده‌شده بین ساکنان شهر و ساکنان روستا را تداوم می‌بخشند؛ بنابراین در دیدگاه فیشر، تنوع خرده‌فرهنگی شهرها به واسطه اندازه جمعیت زیاد، تفاوت‌هایی را در بین رفتارهای شهری و روستایی به وجود می‌آورد (گانیز و هاچیسان، ۲۰۰۶: ۱۸۴).

مرور دیدگاه‌های نظری درباره شیوه‌های زندگی در حوزه رفتارها و روابط اجتماعی در شهر نشان داد که در شهر فقط یک شیوه زندگی خاص، یعنی شهرگرایی، وجود ندارد و شهر دربردارنده شیوه‌های مختلف زندگی از جمله شهرگرایی است؛ بنابراین در جهت تبیین شیوه زندگی شهری، مشاهده شد که هرکدام از رویکردهای سه‌گانه بر عوامل گوناگون در تبیین شیوه‌های زندگی شهری تأکید دارند. دیدگاه جبرگرایی خود شهر را با توجه به ویژگی‌های آن در شکل‌گیری شیوه زندگی خاص شهرگرایی مؤثر می‌داند. درمقابل، دیدگاه‌های ترکیبی و خرده‌فرهنگی بر این باورند که فقط یک شیوه زندگی خاص در شهر وجود ندارد. در تحلیل

5. Claude Fisher

ارزش‌های بنیادی یا به تعبیری فردیت برتر خود در فرهنگ عینی و شناساندن آن به دیگران. به عبارت دیگر انسان برای معنای مورد نظر خود (فردیت برتر) شکل (صورت)‌های رفتاری را برمی‌گزیند. زیمل توان چنین‌گزینشی را «سلیقه» و این اشکال به هم مرتبط را «سبک زندگی» می‌نامد. او در جای دیگر معتقد است سبک زندگی، عینیت‌بخشیدن به ذهنیات در قالب اشکال شناخته‌شده اجتماعی است. نوعی بیان فردیت برتر و یکتایی در قالبی که دیگری این یکتایی را درک کند (رستمی و اردشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۳). ماکس وبر معتقد است برای بررسی قشربندی اجتماعی سه مفهوم طبقه، گروه منزلت و حزب را معرفی می‌کند. مفهوم سبک زندگی حاصل بسط تأملات وبر درباره گروه‌های منزلت است. ماکس وبر واژه سبک‌های زندگی را برای اشاره به شیوه‌های رفتار، لباس‌پوشیدن، سخن‌گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت بودند و در ضمن الگویی برای کسانی که می‌خواستند جزئی از این گروه‌های منزلتی متفاوت باشند، به کار گرفت (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸)؛ بنابراین وبر سبک زندگی را معادل قشر اجتماعی نمی‌داند، بلکه معرف آن می‌شناسد. به بیان دیگر، آن را چیزی معرفی می‌کند که مرزهای نامشخص موقعیت و قشر اجتماعی را تعیین می‌کند (رستمی و اردشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۵). بوردیو، سبک زندگی را فعالیت‌های نظام‌مندی می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند. از نظر بوردیو، سبک زندگی در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشد و میان‌اشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کند. به عبارتی ارزش‌های این فعالیت‌ها از موقعیت‌های آن در نظام تضادها و ارتباط‌ها اخذ می‌شود. بوردیو در جای دیگر سبک زندگی را دارایی‌هایی می‌داند که به وسیله آن، اشغال‌کنندگان موقعیت‌های مختلف خود را با قصد تمایز یا بدون قصد آن از دیگران متمایز می‌کنند

متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال سبک زندگی در حوزه سلامت (تغذیه، ورزش، کیفیت زندگی و...) و محیط‌زیست (آلودگی، استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و...) از جمله حوزه‌هایی هستند که در این دهه مورد توجه قرار گرفته‌اند (یاری حصار و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۰).

از صاحب‌نظران این زمینه می‌توان به تورشتاین و بلن^۶ اشاره کرد که معتقد است آثار و بلن و بوردیو^۷ را باید نقطه آغاز هرگونه بحثی درباره مصرف، الگوهای مصرف و سبک زندگی دانست. این دانشمند پدیده مد را نیز به کمک انگیزش‌های اجتماعی رفتار رقابت‌آمیز تبیین می‌کرد. مد مختص به طبقه بالایی است که می‌خواهد نشان دهد برای کسب درآمد مجبور به کار کردن نیست. مد در سطح جامعه توسعه می‌یابد و از سوی طبقات پایین‌تر تقلید می‌شود. طبقات بالاتر نیز همواره برای حفظ موقعیت اجتماعی خود صور جدیدتری از الگوهای مصرف می‌آفرینند. «به‌روبودن» معیاری است که طبقه مرفه برای بازتولید جایگاه مرفه مسلط خود تعریف می‌کند (رستمی و اردشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۱). دو پدیده دیگر که وبلن آن‌ها را به کمک نظریه خود تبیین می‌کند عبارت‌اند از تجمل‌گرایی زنان و برخی فعالیت‌های ثروتمندان. در نظر وبلن، در زمانه او، مردان امریکایی قدرت و ثروت خود را از طریق زنانشان نمایش می‌دادند. این ایده وبلن بازتولید پدرسالاری در قالب‌های زیرکانه‌تر است. زنان، هم از طریق اقتباس الگوی مصرفی و هم ترتیب‌دادن منزل و خانه‌ای که احترام دیگران برای قدرت و ثروت شوهر را برانگیزد، پدرسالاری موروثی را بازتولید می‌کنند و وبلن سبک زندگی را پدیده‌ای گروهی می‌داند (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۵). در همین رابطه جورج زیمل معتقد است سبک زندگی، تجسم تلاش انسان است برای یافتن

6. Thorstein Veblen

7. Bourdieu

مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله نقلیه، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح (رفتارهای حاکی از نجیب‌زادگی یا دست‌ودل‌بازی، کشیدن سیگار در محافل عمومی، تعداد مستخدمان و آرایش آن‌ها (عرب‌ناز^۸، ۲۰۱۱: ۲۶؛ رستمی و اردشیرزاده، ۱۳۹۲: ۲۴).

بنابراین با توجه به دیدگاه مورد بررسی از شهرگرایی و سبک زندگی می‌توان اظهار کرد که براساس نظریات دانشمندانی مانند: فردیناند تونیس، زیمل، ورث، گیدنز، کلود فیشر، تورشتاین و بلن، دوگلاس و ایشروود، ماکس وبر، جورج زیمل و... شهرگرایی توانسته سبب تغییراتی در سبک زندگی شهر و روستا و تأثیر مراکز شهری بر حومه اطراف شود و زمینه را برای تغییر و تحولات گسترده‌ای در سبک زندگی زنان فراهم کند که نمونه‌ای از آن از نظر بلن، قدرت‌نمایی مردان امریکا است که ثروت خود را از طریق زنانشان نمایش می‌دادند و این نشان از آن دارد که زنان، هم از طریق اقتباس الگوی مصرفی و هم ترتیب‌دادن منزل و خانه‌ای که احترام دیگران برای قدرت و ثروت شوهر را برانگیزد، سوق داده شده‌است؛ بنابراین جریاناتی که بین شهرها و روستاها به‌وجود آمده‌است، سبب شده که در دو دهه اخیر سبک زندگی زنان روستایی را تغییر دهد؛ بنابراین طبقات و اقشار و فضای اجتماعی که زنان در آن زندگی می‌کنند، متفاوت است و آثار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی مختلفی بر سبک زندگی زنان روستایی می‌گذارد؛ این آثار عبارت‌اند از:

الف - اثرات اقتصادی: آثار اقتصادی شهرگرایی در نواحی روستایی شامل: افزایش گرایش به فعالیت‌های درآمدزا، نگاه پولی به کار و فعالیت‌ها، میزان حساسیت نسبت به مناسبات مالی، افزایش میزان پس‌انداز،

(مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۷). با این همه می‌توان تعاریف موجود را به دو گروه کلی تقسیم کرد و از هر رهگذر مرور آن‌ها به نتایجی رسید. گروه اول مجموعه تعاریفی هستند که سبک زندگی را از جنس رفتار می‌دانند و ارزش‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های ذهنی افراد را از دایره این مفهوم بیرون می‌گذارند. این رویکرد، به معنای عدم دخالت مقولات ذهنی در شکل‌دادن به سبک زندگی نیست، بلکه بدین معناست که مهم نیست سبک زندگی چگونه شکل گرفته است؛ چراکه خود بحث جداگانه‌ای است درباره منشأ شکل‌گیری سبک زندگی و برای شناخت سبک زندگی که براساس متمایز ساختن برخی از رفتارها (با ویژگی‌های خاص) صورت می‌گیرد، مهم است. رویکرد دوم، ارزش‌ها و نگرش‌ها را نیز بخشی از سبک زندگی می‌داند. این تقسیم‌بندی به نوعی ماهیت رشته‌ای نیز دارد. بدین ترتیب که رویکرد اول در جامعه‌شناسی و مطالعات فراغت غالب بوده، اما رویکرد دوم که وجه روانشناختی آن بیشتر است، در روانشناسی و علاوه بر آن در سنت مطالعات بازاریابی بارز بوده‌است (لو و فریمن^۸، ۲۰۰۷: ۴۲).

یکی از راه‌هایی که می‌توان به درک بهتری از مفهوم «سبک‌زندگی» از نظر اندیشمندان مختلف دست یافت، بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی است که برای سبک زندگی برشمرده یا در تحقیقات خود به‌عنوان شاخصه بهره برده‌اند. در اینجا منظور از مؤلفه اموری است که مصداق عینی سبک زندگی محسوب می‌شوند؛ بنابراین اموری که از سوی محققان به‌عنوان عوامل مؤثر بر سبک زندگی پیشنهاد شد (مواردی مانند میزان درآمد و تحصیلات) است. عناصری که زیمل، وبلن و وبر در آثار خود از آن‌ها یاد کرده‌اند، عبارت است از: شیوه تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مُد)، نوع

بررسی موضوع مورد مطالعه، جلائی پور و عبدالله پور (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتایج رسیدند که بیشتر افراد از نظر میزان شهرگرایی در وضعیت متوسط قرار دارند. همچنین تعداد افرادی که شهرگرایی پایینی دارند یا به عبارتی دیگر، شهرگرا نیستند، کم نیست و از میان ویژگی‌های افراد بیشتر متغیرهای سن، سابقه زندگی در روستا و سطح تحصیلات قادرند تغییرات شهرگرایی را تبیین کنند. افراسیابی و مرادی فر (۱۳۹۴)، در پژوهش خود به این نتایج رسیدند که زنان در دنیای جدید خود را به محدود ماندن در چارچوب سنتی مورد انتظار مجبور نکرده و آخرین نوع و مدل تکنولوژی‌ها را می‌خواهند. ضمن توجه به زندگی و روش‌های سخت گذشته، در پی تجربه شکل‌های نوین خانواده هستند. سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که به دلیل قرار گرفتن روستاهای ایران در شرایط گذار توسعه‌ای از سنت به مدرنیته و حتی پست‌مدرنیته، سبک زندگی در ابعاد مختلف در حالت درآمیختگی قرار داشته و افراد جوان به سبک زندگی شهری و افراد مسن به سبک زندگی بومی روستایی گرایش دارند. نازک تبار و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در نقاط شهری، بین نوسازی و کارکرد حمایتی-مراقبتی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و در نقاط روستایی بین این دو متغیر نوسازی و کارکرد عاطفی در نقاط شهری و نقاط روستایی تفاوت معناداری دیده نشده است. یاری حصار و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود به این نتایج رسیدند که ارتباط مثبت قوی بین استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با تغییر سبک زندگی در نواحی روستایی مورد مطالعه وجود دارد. همچنین میزان تغییرات اجتماعی و فرهنگی در زندگی روستاهای مورد مطالعه بسیار بیشتر از تغییرات به وجود آمده در بخش تولید است و با افزایش تغییرات در سبک زندگی، کیفیت

تجمل پرستی در زندگی، گرایش به داشتن خانه و مالکیت وسایل نقلیه، وابستگی به مادیات در زندگی و ...

ب- اثرات اجتماعی: شهرگرایی از لحاظ اجتماعی می‌تواند آثار زیادی در سبک زندگی زنان روستایی داشته باشد؛ مانند: کم شدن ارتباطات خانوادگی، علاقه به انجام فعالیت‌های فردی، کاهش میزان مشارکت، اعتماد و انسجام با اهالی روستا، افزایش میزان گرایش خانواده‌ها به سبک و شیوه زندگی شهری، کاهش تعامل قومی و مذهبی و ...

ج- اثرات فرهنگی: از لحاظ فرهنگی، شهرگرایی در روستاها می‌تواند آثار زیر را به دنبال داشته باشد: کاهش میزان دلبستگی به مکان، کاهش علاقه‌مندی به استفاده از زبان محلی، کاهش استفاده از لباس محلی، افزایش میزان علاقه به استفاده از زبان پارسی در گفت‌وگو، میزان علاقه به یادگیری زبان انگلیسی در بین جوانان روستا و ...

د- اثرات زیست‌محیطی که شامل پیامدهای زیر است: افزایش میزان تخریب منابع طبیعی، افزایش میزان استفاده از کود و آفت‌کش‌ها، میزان افزایش تغییر کاربری‌ها از باغی و زراعی به مسکونی، میزان استفاده از انرژی گاز در پخت‌وپزها، کاهش استفاده از هیزم در گرمای منزل و تغییر در همه این عوامل به نوبه خود باعث تغییر و تحولات مختلفی در سبک زندگی و شیوه معیشت زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه می‌شود.

پیشینه تحقیق

در هر تحقیق علمی، مطالعه و بررسی تحقیقات و پژوهش‌های در ارتباط با موضوع انجام شده، لازم و ضروری است، چراکه بدون دستیابی به نتایج پژوهشی دیگران و توسعه و تکامل آن‌ها، امکان رسیدن به پاسخ مناسب و تجزیه و تحلیل بهتر میسر نیست؛ بنابراین در

جدول ۱. تعداد خانوار و سهم هر نمونه در روستا

روستاها	خانوار	تعداد نمونه	افزایش تعداد نمونه
آبباریک بالا	۱۱۰	۱۳	۱۳
آبباریک پایین	۲۰	۲	۷
اصلان‌شاهی	۱۸۰	۲۲	۲۲
تملیه	۳۱۰	۳۸	۳۸
بتکی	۸۱	۱۰	۱۰
ده حسنعلی	۱۲۸	۱۶	۱۶
عدل‌آباد	۱۶۰	۲۰	۲۰
کهریز	۸۲	۱۰	۱۰
شیخ‌آباد	۲۶۶	۳۳	۳۳
درویش‌آباد	۶۶	۸	۸
جمع	۱۴۰۳	۱۷۲	۱۷۷

(منبع: مرکز آمار، ۱۳۹۳)

انتخاب روستاهای نمونه پژوهش، از یک سو، با در نظر گرفتن نزدیکی روستا به شهر، تغییر سبک زندگی زنان جوان روستایی به شهرگرایی، مُدگرایی و روی آوردن به مصرف‌گرایی مطرح شده است و از سوی دیگر، سطح توقعات این زنان نسبت به دوره‌های قبلی افزایش یافته است و باعث شده که این موضوع توسط محقق در میان روستاهای منطقه مورد مطالعه دنبال شود. همچنین از طریق پرسشنامه، مؤلفه‌های سبک زندگی زنان روستایی به کمک ۱۰ شاخص مورد سنجش قرار گرفت و برای امتیازدهی آن از طیف پنج قسمتی لیکرت استفاده شد. در این پژوهش به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، اقدام به شناسایی ۴۹ گویه مرتبط با ابعاد سبک زندگی زنان روستایی و ۹ گویه برای شهرگرایی با مطالعه مناطق روستایی شهرستان الشتر به شرح جدول (۲) اشاره شده است.

زندگی کاهش پیدا کرده است. بذرافشان و طولابی‌نژاد (۱۳۹۶)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که آثار مدرنیته و نوسازی سبب تغییرات زیادی در سبک زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانوارهای روستایی و گرایش آن‌ها به سبک و زندگی شهری داشته است.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی؛ از لحاظ ماهیت، توصیفی و پیمایشی و نیز از نوع تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها و در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق، به دو صورت اسنادی (داده‌های ثانویه) و پیمایشی (داده‌های اولیه) عمل شد و ابزار مورد استفاده، پرسشنامه و مشاهده بوده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل روستاهای شهرستان الشتر است که در چند سال اخیر با تغییر و تحولات زیادی در سبک زندگی روبه‌رو بوده‌اند که ۱۰ روستا به‌عنوان جامعه آماری انتخاب و براساس سرشماری ۱۳۹۳، ۱۴۰۳ خانوار محاسبه شد و روش نمونه‌گیری بین آن‌ها به صورت تصادفی ساده صورت گرفته است. برای برآورد حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۰/۰۷ درصد استفاده شد. حجم نمونه برآورده شده از این روش، ۱۷۲ پرسشنامه محاسبه و در برخی از روستاها به دلیل کم بودن حجم نمونه به ۸ نمونه ارتقا پیدا کرد که در مجموع ۱۷۷ پرسشنامه مشخص و در سطح مناطق روستایی پخش شد.

تحلیل اثرات شهرگرایی بر تغییر و تحولات سبک زندگی زنان روستایی مورد شناسی: شهرستان اشتر

جدول ۲. مؤلفه، شاخص و گویه‌های مورد استفاده در تحقیق

مؤلفه	شاخص	گویه‌ها	مؤلفه	شاخص	گویه‌ها
اقتصادی	تغییرات رفتاری	علاقه‌مندی به زندگی در شهر ارتباط روستا با شهر کم‌شدن ارتباطات خانوادگی گرایش خانواده‌ها به سبک و شیوه زندگی شهری استفاده از آهنگ‌های جدید به جای آهنگ‌های محلی	مؤلفه	گویه‌ها	گویه‌ها
	الگوی تغذیه	علاقه به استفاده از غذای آماده شهری علاقه به استفاده از غذاهای رستورانی علاقه به استفاده از خوراکی‌ها (چیپس، پفک و غیره) علاقه به پخت و پز غذا به روش‌های نوین			
اجتماعی	کاربرد فناوری نوین	علاقه به کاربرد و استفاده از تلفن همراه عضویت در شبکه‌های اجتماعی علاقه به گذران اوقات فراغت با اینترنت استفاده از کامپیوتر در خانه دسترسی به اینترنت	تغییر ذهنی و زبانی	شاخص	گویه‌ها
	تغییر در لباس و پوشاک	علاقه به کاهش استفاده از لباس محلی گرایش به لباس‌های با طرح خارجی علاقه به افزایش استفاده از وسایل آرایشی و بهداشتی عدم تمایل به مدل‌ها و پوشش بومی و محلی			
محیطی	برخورد با محیط زیست	تخریب منابع طبیعی برای ایجاد زیرساخت‌ها تغییر کاربری‌ها از باغی و زراعی به کاربری مسکونی تخریب محیط زیست برای گذراندن اوقات فراغت	مصرف‌گرایی	شاخص	گویه‌ها
	نحوه استفاده از انرژی و منابع	استفاده از گاز در پخت‌وپزها مصرف حامل‌های انرژی (بنزین، گازوئیل و...) استفاده از مشک‌های برقی به جای مشک‌های دستی			
شهرگرایی	تغییر و تنوع عوامل نژادی و فرهنگی تغییر و علاقه به تحرک‌های اجتماعی تخصصی شدن مشاغل رواج اقتصاد پولی استفاده از وسایل ارتباطات و رفت‌وآمد آسان ناپایداری جمعیت و محرک‌های شهری (مانند: سروصداها و زرق و برق دنیا) ضعیف شدن وجود روابط اجتماعی در بین خانواده‌ها ایجاد نگرش‌ها و ایده‌ها جدید در بین شهروندان تغییرات اجتماعی و فرهنگی همراه با عصر جهانی	مؤلفه	شاخص	گویه‌ها	گویه‌ها

(منبع: بذرافشان و طولابی‌نژاد، ۱۳۹۶؛ مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶؛ ممتاز، ۱۳۸۱؛ جلائی‌پور و عبدالله‌پور، ۱۳۹۰ و شارع‌پور، ۱۳۸۷)

مدل کوپراس انجام گرفته است. همچنین به منظور ارزیابی پایایی داده‌ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج جدول ۳، نشان‌دهنده پایایی و قابل‌اعتماد بودن داده‌ها برای انجام تحقیق است.

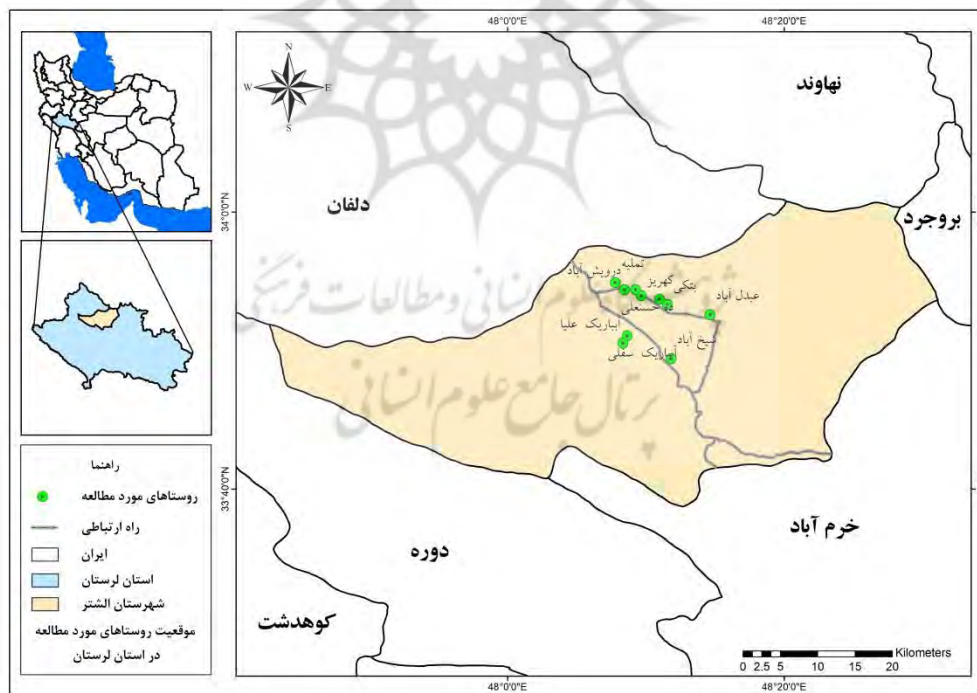
جدول ۳. مؤلفه‌ها و گویه و میزان آلفای کرونباخ

مجموعه مؤلفه‌ها	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
سبک زندگی	۴۵	۰/۷۴۵
شهرگرایی	۹	۰/۷۰۹

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)

بنابراین سرزمینی عمدتاً کوهستانی و ناهموار است که رشته‌کوه‌های زاگرس قسمت بیشتر آن را دربر گرفته است.

ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه محقق ساخته است. روایی پرسشنامه توسط پانل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۲۰ پرسشنامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و با استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم‌افزار SPSS پایایی بخش‌های مختلف پرسشنامه تحقیق به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات) و آمار استنباطی شامل آزمون t استفاده شده است و همه محاسبات آماری این پژوهش به وسیله نرم‌افزار SPSS و الشتر مرکز شهرستان سلسله در شمال استان لرستان واقع شده است. این شهرستان به دلیل منطقه جغرافیایی، دارای آب‌وهوای معتدل است؛ به طوری که دارای جمعیت ۳۶۳۰ نفر و از نظر جغرافیای طبیعی در ارتفاع ۱۷۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است؛



شکل ۱. نقشه محدوده مورد مطالعه

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶)

یافته‌های تحقیق

۹۴ نفر و ۵۳/۳ درصد، از لحاظ بررسی وضعیت مسکن، متغیر مسکن شخصی با فراوانی ۱۱۳ نفر و ۶۴/۷ درصد بیشترین پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین بررسی ویژگی‌های توصیفی نشان می‌دهد که متغیر با میانگین ۱/۷۳، تحصیلات با میانگین ۴/۷۰؛ جنیست با میانگین ۲؛ تأهل با میانگین ۱/۵۵؛ شغل با میانگین ۴/۷۰ و مسکن با میانگین ۱/۴۴ را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳ توزیع فراوانی وضعیت پاسخگویان را نشان می‌دهد. یافته‌های توصیفی پرسشنامه نشان داد که از لحاظ ویژگی‌های سن پاسخگویان، زنان بین ۳۰-۲۱ سال، با ۸۱ نفر فراوانی و ۴۵/۹ درصد پاسخ بیشتر را به خود اختصاص داده‌اند. از لحاظ تحصیلات، دبیرستان با تعداد فراوانی ۷۳ نفر و ۴۰/۷ درصد بیشترین پاسخ، از لحاظ تأهل، ۹۱ فرد پاسخگو و ۵۱/۵ درصد، از لحاظ شغل، متغیر خانه‌داری با فراوانی

جدول ۴. اطلاعات توصیفی پاسخگویان زنان روستایی

زنان روستایی						
مشخصات پاسخگویان	بیشترین پاسخگویان	تعداد پاسخگویان	درصد	درصد تجمعی	انحراف معیار	واریانس
سن	۲۰ تا ۳۰ سال	۸۱	۴۵/۵	۴۵/۵	۰/۸۳۲	۰/۶۲۹
	۳۱-۴۰	۷۰	۴۱/۹	۸۷/۴		
	۴۱-۵۰	۱۱	۶/۶	۹۴		
	۵۱ سال و بالاتر	۱۰	۶	۱۰۰		
تحصیلات	خواندن و نوشتن	۱۶	۹/۶	۹/۶	۱/۲۱۵	۱/۴۷۶
	ابتدایی	۱۱	۶/۶	۱۶/۲		
	راهنمایی	۲۶	۱۵/۶	۳۱/۷		
	دبیرستان	۷۳	۴۰/۷	۷۲/۵		
	فوق دیپلم و بالاتر	۴۶	۲۷/۵	۱۰۰		
تأهل	مجرد	۸۱	۴۸/۵	۴۸/۵	۰/۶۲۷	۰/۳۹۳
	متأهل	۹۱	۵۱/۵	۱۰۰		
شغل	دولتی	۲۱	۱۲/۶	۱۲/۶	۱/۴۲۹	۲/۰۴۲
	شغل آزاد	۱۲	۷/۲	۱۹/۸		
	خانه‌دار	۹۴	۵۳/۳	۷۳/۱		
	سایر	۴۵	۲۶/۹	۱۰۰		
مسکن	شخصی	۱۱۳	۶۴/۷	۶۴/۷	۰/۶۴۵	۰/۴۱۶
	اشتراکی	۴۵	۲۶/۹	۹۱/۶		
	استیجاری	۱۴	۸/۴	۱۰۰		

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)

بدین معنی است که میانگین جامعه درباره آن متغیر بیش‌تر از مقدار مورد آزمون است. همچنین چنان‌چه اولی مثبت و دومی منفی باشد، میانگین جامعه تقریباً مقدار آزمون است. هم‌چنین منفی بودن این دو مقدار،

در این قسمت به منظور مقایسه اختلاف بین میانگین‌های تحقیق از آزمون t استفاده شده است که نتایج آن در زیر ارائه می‌شود. در آزمون t تک‌نمونه‌ای چنان‌چه حد بالا و پایین هر دو مثبت باشند،

کل جامعه است. با توجه به جدول ۵ می‌توان اظهار کرد که از نظر زنان روستایی، از منظر شاخص‌های سبک زندگی (تغییرات رفتاری، الگوی تغذیه، کاربرد فناوری نوین، تغییر در لباس و پوشاک، درآمدزایی، مادی‌گرایی، تغییر فرهنگی و زبانی، مُدگرایی، مصرف‌گرایی، برخورد با محیط‌زیست و نحوه استفاده از انرژی و منابع) و نظر شاخص شهرگرایی دارای اختلاف معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ درصد خطا وجود دارد؛ بنابراین مؤلفه‌های تغییر در لباس و پوشاک و مُدگرایی با میانگین ۳/۸۸ و مصرف‌گرایی با میزان ۳/۸۸ بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند.

بدین معنی است که میانگین متغیر موردنظر در جامعه کم‌تر از مقدار آزمون است و این متغیرها در جامعه موردبررسی، در سطح پایینی قرار دارند؛ بنابراین میانگین محاسبه‌شده مؤلفه‌های سبک زندگی با میانگین فرضی ۳ سنجش شده و ثابت می‌شود که میانگین واقعی نظر کل پاسخگویان در همه مؤلفه‌ها به جز سه مؤلفه کاربرد فناوری نوین، درآمدزایی و تغییر فرهنگی و زبانی، از میانگین فرضی ۳ کوچک‌تر و در حد متوسط به پایین است و با توجه به میزان معناداری به‌دست‌آمده برای مؤلفه‌های موردنظر کمتر از ۰/۰۵ است این مؤلفه‌ها معنادار بوده و قابل‌تعمیم به

جدول ۵. تفاوت معناداری از حد مطلوب در مؤلفه‌های سبک زندگی زنان روستایی

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۳							
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت از حد مطلوب	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون t	میانگین	شاخص‌ها
بالا تر	پایین تر						
-۰/۳۲	-۰/۵۵	-۰/۴۳۶	۰/۰۰۰	۱۷۶	۷/۴۸۶	۳/۵۶	تغییرات رفتاری
-۰/۲۴	-۰/۴۸	۰/۳۶۳	۰/۰۰۰	۱۷۶	۵/۹۰۷	۳/۶۴	الگوی تغذیه
-۰/۲۴	-۰/۴۸	-۰/۳۶۳	۰/۰۰۰	۱۷۶	-۵/۹۰۵	۲/۶۴	کاربرد فناوری نوین
۰/۲۱	-۰/۰۱	۰/۱۰۲	۰/۰۷۱	۱۷۶	۱/۸۱۹	۳/۱۰	تغییر در لباس و پوشاک
۰/۱۲	-۱/۱۵	-۰/۰۱۴	۰/۰۳۵	۱۷۶	-۰/۲۰۹	۲/۹۹	درآمدزایی
-۰/۰۶	-۰/۲۶	-۰/۱۵۹	۰/۰۰۲	۱۷۶	۶/۱۶۵	۳/۸۴	مادی‌گرایی
-۰/۲۵	-۰/۴۴	-۰/۳۴۴	۰/۰۰۰	۱۷۶	-۶/۹۶۴	۲/۶۶	تغییر فرهنگی و زبانی
۰/۰۱	-۰/۲۴	-۰/۱۱۸	۰/۰۶۰	۱۷۶	۵/۸۹۳	۳/۸۸	مُدگرایی
-۰/۰۵	-۰/۲۷	۰/۱۵۷	۰/۰۰۵	۱۷۶	۲/۸۶۳	۳/۸۴	مصرف‌گرایی
۰/۱۵	-۰/۰۸	۰/۰۳۶	۰/۰۴۵	۱۷۶	۰/۶۰۶	۳/۰۴	برخورد با محیط‌زیست
۰/۱۵	-۰/۰۹	۰/۰۳۳	۰/۰۹۲	۱۷۶	۰/۵۳۷	۳/۰۳	نحوه استفاده از انرژی و منابع
۰/۱۵	-۰/۰۲	۰/۰۶۶	۰/۰۳۶	۱۷۶	۱/۴۹۹	۳/۰۷	شهرگرایی

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴)

که متغیر مستقل ۵۶ واحد تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین می‌کند. همچنین مقدار سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچک‌تر است؛ بنابراین مدل

برای بررسی اثرات شهرگرایی بر سبک زندگی زنان روستایی از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده‌است. براین اساس، مقدار ضریب تعیین ۰/۵۲۶ نشان می‌دهد

ایجاد تغییرات رفتاری، تغییر الگوی تغذیه زنان روستایی، تغییر در لباس و پوشاک محلی و... در مناطق مورد مطالعه را در پی داشته است.

رگرسیون از لحاظ آماری معنی دار است و حکایت از آن دارد که بین متغیرهای شهرگرایی و سبک زندگی زنان روستایی کاملاً معنادار است؛ به طوری که باعث

جدول ۶. تحلیل رگرسیون عوامل تأثیرگذار شهرگرایی بر سبک زندگی زنان روستایی

اشتباه معیار	ضریب تعیین تصحیح شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۴۰۵	۰/۴۹۵	۰/۵۲۶	۰/۷۲۵

(منبع: یافته‌هایی تحقیق، ۱۳۹۶)

همچنین گرایش زنان به عضویت در شبکه‌های اجتماعی و میزان اوقات فراغت با اینترنت در روستاها افزایش یافته که به نوبه خود منجر به تغییرات زیادی در سبک زندگی زنان روستایی مخصوصاً در بین زنانی که از نسل جدید هستند به وجود آورده است. همچنین شهرگرایی باعث تغییر در سبک زندگی زنان در شاخص‌های اقتصادی روستاییان شده است، به گونه‌ای که باعث افزایش نگاه پولی به کار و فعالیت‌ها و افزایش انگیزه برای به دست آوردن سود بیشتر در کارها، افزایش تحمل در زندگی، گرایش به خانه و مالکیت وسایل نقلیه، افزایش وابستگی به مادیات، افزایش میزان گرایش وسایل غیر ضروری در زندگی زنان روستایی شده است. از طرفی دیگر شهرگرایی اثرات مستقیمی بر فرهنگ زنان روستایی داشته است؛ به گونه‌ای که باعث افزایش تنوع در مصرف مواد غذایی و استفاده از مواد غذایی و فروشگاه‌های در منزل، افزایش میزان استفاده از وسایل لوکس و تجملی و افزایش استفاده از مبلمان در منزل، افزایش استفاده از واژگان و اصطلاحات جدید به جای اصطلاحات محلی و عدم یاد دادن زبان مادری به بچه‌ها و کودکان مخصوصاً در بین زنان جوان شده است؛ به طوری که در بیشتر روستاها فرزندان آن‌ها قادر به صحبت کردن به زبان مادری نیستند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که برای همه متغیرها مقدار سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ است. همچنین مقادیر BETA نشان می‌دهد که یک واحد تغییر در انحراف معیار در شاخص‌های تغییرات رفتاری، الگوی تغذیه، کاربرد فناوری، تغییر در لباس و پوشاک، درآمدزایی، مادی‌گرایی، تغییر فرهنگی و زبانی، مُدگرایی و مصرف‌گرایی، برخورد با محیط زیست و نحوه استفاده از انرژی و منابع، هر کدام به ترتیب، ۰/۱۲۸، ۰/۱۴۲، ۰/۱۳۷، ۰/۲۳۳، ۰/۱۱۴، ۰/۱۴۲، ۰/۳۰۴، ۰/۳۸۴، ۰/۱۰۷، ۰/۱۵۹ و ۰/۱۴۹ واحد بر اثر شهرگرایی موجب تغییر سبک زندگی زنان در بین روستاهای نمونه در محدوده مورد مطالعه شده است. در بین شاخص‌های مورد بررسی، شاخص مُدگرایی، با ضریب بتای ۰/۳۸۶ و تغییرات فرهنگی و زبانی با ۰/۳۰۴، بیشتر تغییر را در بین شاخص سبک زندگی زنان بر اثر شهرگرایی داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت فرایند شهرگرایی در محیط روستاهای مورد مطالعه، بر تغییر سبک زندگی زنان روستاییان تأثیرگذار بوده است؛ به طوری که میزان گرایش زنان به سبک و شیوه زندگی شهری افزایش یافته و میزان اعتماد و انسجام بین زنان روستا کاهش یافته است. میزان استفاده از لباس و پوشش محلی کاهش یافته و گرایش به لباس‌های با طرح خارجی افزایش یافته است. لباس و پوشش سنتی و محلی زنان روستایی در حال فراموشی و نابودی است.

جدول ۷. ضرایب شدت روابط میان مؤلفه‌های شهرگرایی با سبک زندگی زنان روستایی

نام متغیر	ضرایب غیراستاندارد		استاندارد شده	ضرایب	t	سطح معنی‌داری
	B	خطای B				
عرض از مبدأ	۰/۷۷۵	۰/۲۱۶	-	۳/۵۸۷	۰/۰۰۰	
تغییرات رفتاری	۰/۰۲۸	۰/۰۵۷	۰/۱۴۲	۰/۶۶۳	۰/۵۰۲	
الگوی تغذیه	۰/۰۹۲	۰/۰۵۷	۰/۱۲۸	۱/۶۳۳	۰/۱۰۵	
کاربرد فناوری نوین	۰/۰۲۸	۰/۰۵۱	۰/۱۲۷	۰/۵۵۹	۰/۵۷۷	
تغییر در لباس و پوشاک	۰/۱۴۸	۰/۰۴۵	۰/۲۳۳	۳/۲۶۶	۰/۰۰۱	
درآمدزایی	۰/۰۸۱	۰/۰۵۳	۰/۱۱۴	۱/۵۳۳	۰/۱۲۷	
مادی‌گرایی	۰/۱۲۷	۰/۰۵۶	۰/۱۴۲	۲/۲۶۸	۰/۰۲۵	
تغییر فرهنگی و زبانی	۰/۱۲۷	۰/۰۵۹	۰/۳۰۴	۴/۱۱۷	۰/۰۰۰	
مدگرایی	۰/۳۰۳	۰/۰۶۱	۰/۳۸۴	۴/۹۸۲	۰/۰۰۰	
مصرف‌گرایی	۰/۳۰۳	۰/۰۴۹	۰/۱۰۷	۱/۶۲۶	۰/۰۱۲	
برخورد با محیط‌زیست	۰/۲۴۳	۰/۰۴۸	۰/۱۵۹	۲/۳۵۲	۰/۰۲۰	
نحوه استفاده از انرژی و منابع	۰/۰۷۹	۰/۰۴۲	۰/۱۴۹	۲/۴۶۵	۰/۰۴۵	

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

زندگی، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و مورد تأیید است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که هرچه میزان شهرگرایی مورد استفاده بالاتر باشد، میزان سبک زندگی بیشتر می‌شود و برعکس هرچه میزان مؤلفه‌های شهرگرایی مورد استفاده پایین‌تر باشد، میزان سبک زندگی کاهش خواهد یافت. رابطه و همبستگی مثبت و مستقیم بین دو مؤلفه شهرگرایی و سبک زندگی، مشاهده می‌شود که با احتمال بیش از ۹۹ درصد معنادار است و نشان‌دهنده این است که شهرگرایی باعث تغییرات و تحولات سبک زندگی زنان در مناطق روستایی شده و زمینه را برای تغییرات رفتاری، تغییر در الگوی تغذیه، تغییر در لباس و پوشاک، مادی‌گرایی، مدگرایی، مصرف‌گرایی و درآمدزایی، مادی‌گرایی، تغییر فرهنگی و زبانی، مصرف‌گرایی و تغییر استفاده از انرژی و منابع در منطقه مورد مطالعه شده‌است.

به‌منظور بررسی رابطه بین مؤلفه‌های شهرگرایی و سبک زندگی زنان روستایی، از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده‌است. برای معنادار بودن رابطه بین متغیرها، از طریق ضریب همبستگی اسپیرمن، اگر سطح معناداری آزمون (Sig) کمتر از ۰/۰۵ باشد، با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان رابطه دو متغیر را ثابت کرد؛ بنابراین ضریب همبستگی اسپیرمن بین مؤلفه‌های شهرگرایی با مؤلفه‌های سبک زندگی زنان برای الگوی تغذیه ۰/۳۲۴، کاربرد فناوری نوین ۰/۳۲۵، تغییر در لباس و پوشاک ۰/۲۷۵، درآمدزایی ۰/۱۱۷، مادی‌گرایی ۰/۳۰۵، تغییر فرهنگی و زبانی ۰/۳۱۱، مدگرایی ۰/۵۸۷، مصرف‌گرایی ۰/۵۶۳، برخورد با محیط‌زیست ۰/۳۸۶ و نحوه استفاده از انرژی و منابع ۰/۳۲۷ است، زیرا سطح معناداری در ضریب همبستگی کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین می‌توان اظهار کرد که میان مؤلفه‌های شهرگرایی با مؤلفه‌های سبک

جدول ۸. ماتریس همبستگی بین شهرگرایی با سبک زندگی زنان روستایی

معیارها	تغییرات رفتاری	الگوی تغذیه	کاربرد فناوری نوین	تغییر در لباس و پوشاک	درآمدزایی	مادی گرایی	
تغییر سبک زندگی	C.C.	۰/۲۴۵	۰/۳۲۴	۰/۲۷۵	۰/۱۷۱	۰/۳۰۵	
	Sig	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۷	۰/۰۰۰	
		تغییر فرهنگی و زبانی	مُدگرایی	مصرف گرایی	برخورد با محیط زیست	نحوه استفاده از انرژی و منابع	
	C.C.	۰/۳۱۱	۰/۵۸۷	۰/۵۶۳	۰/۳۸۶	۰/۳۲۷	
	Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

مدل کوپراس

این مدل مناطق روستایی را از لحاظ سبک زندگی اولویت‌بندی و مورد بررسی قرار داده است که برای میزان اهمیت و اولویت هریک از شاخص‌ها با استفاده از نظرات زنان روستایی سنجیده شد و سپس با استفاده از مدل کوپراس به اولویت‌بندی آن‌ها پرداخته شده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های مدل کوپراس نسبت به دیگر مدل‌های تصمیم‌گیری، می‌توان به این مورد اشاره کرد: کوپراس می‌تواند رتبه‌بندی کاملی از گزینه‌ها ارائه دهد و قادر است همزمان از معیارهای کمی و کیفی برای ارزیابی گزینه‌ها استفاده کند (حاجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۲). همچنین کوپراس قابلیت محاسبه معیارهای مثبت و معیارهای منفی را به‌طور جداگانه در فرایند ارزیابی دارد؛ در حالی که تعدادی از مدل‌های MCDA مانند SAW نیازمند نرمالیزه کردن و تبدیل معیارهای منفی به

مثبت هستند. مدل کوپراس شامل هفت گام است که

در ادامه تشریح شده‌اند.

گام نخست: نخستین گام مدل، تشکیل ماتریس وضع موجود است. در این پژوهش برای تشکیل ماتریس وضع موجود، شاخص‌ها در سطح مناطق روستایی، براساس طیف لیکرت (پنج گزینه‌ای) به زنان روستایی مراجعه شده‌اند. زنان براساس پنج گزینه خیلی کم (با امتیاز ۱)، کم (با امتیاز ۲)، متوسط (با امتیاز ۳)، زیاد (با امتیاز ۴) و خیلی زیاد (با امتیاز ۵)، میزان اهمیت هریک از شاخص‌ها را تبیین کردند. در جدول ۹ مؤلفه‌های تغییرات رفتاری، الگوی تغذیه، کاربرد فناوری نوین، تغییر در لباس و پوشاک، درآمدزایی، مادی‌گرایی، تغییر فرهنگی و زبانی، مُدگرایی، مصرف‌گرایی، برخورد با محیط‌زیست و نحوه استفاده از انرژی و منابع هستند.

جدول ۹. ماتریس ارزیابی وضع موجود

مؤلفه‌ها											
نحوه استفاده از منابع انرژی و محیط زیست	بر خورد با محیط زیست	مصرف گرایبی	مدگرایی	تغییر فرهنگی و زبانی	مادی گرایی	درآمدزایی	تغییر در لباس و پوشاک	کاربرد فناوری نوین	الگوی تغذیه	تغییرات رفتاری	روستاها
۲/۴	۴	۳/۲	۳/۴	۲/۸	۳/۴۶	۳/۲	۲/۹۳	۳/۱۳	۳/۴۵	۲/۷۳	آبباریک بالا
۲/۹	۳/۲	۳/۳	۲/۶	۲/۶	۲/۸	۳	۳/۱	۲/۸	۲/۹	۲/۸	آبباریک پایین
۳/۳۱	۲/۹۰	۳/۰۴	۳/۴۰	۲/۶۶	۳/۱۸	۳/۳۱	۲/۵۹	۲/۷۲	۲/۶۹	۳/۲۷	اصلاح شاهی
۳/۰۹	۳/۲۱	۲/۸۷	۲/۹۰	۲/۶۳	۲/۷۵	۲/۶۵	۲/۶۳	۲/۳۹	۲/۴۵	۲/۸۷	تملیه
۳/۹	۲/۹	۳/۳	۳/۲	۳	۳/۵	۳/۵	۳/۱	۳/۲۲	۳/۵۶	۲/۹	بتکی
۳/۴۷	۳/۱۷	۳/۰۵	۳/۵۸	۲/۳۱	۳/۲۹	۲/۹۴	۲/۴۷	۲/۷۶	۲/۴۵	۲/۷۶	ده حسنعلی
۳/۱۳	۲/۹۰	۲/۸۶	۲/۸۶	۲/۷۷	۲/۸۱	۲/۸۵	۲/۷۲	۲/۸۱	۲/۳۶	۲/۷۲	عدل آباد
۲/۰۹	۲/۳۶	۲/۵۴	۲/۲۷	۲/۰۹	۱/۹۰	۲/۲۷	۲/۴۵	۲	۲/۳۶	۲/۹۰	کهریز
۲/۸	۳/۴	۲/۷	۳	۲/۷	۳	۳	۲/۹	۲/۷	۲/۶۵	۲/۹	شیخ آباد
۲/۸۸	۲/۷۷	۳	۳/۱۱	۲/۸۸	۳	۳	۲/۷۷	۲/۴۴	۲/۹۸	۳/۳۳	درویش آباد

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

دیگر آنتروپی در تئوری اطلاعات، معیاری است برای میزان عدم اطمینان بیان شده توسط یک توزیع احتمال گسسته که این عدم اطمینان به کمک تابع زیر تشریح می‌شود:

$$E = -k \sum_{j=1}^n (p * \ln p_j)$$

گام دوم: در این مرحله وزن هریک از شاخص‌ها به دست می‌آید. در این تکنیک وزن هریک از شاخص‌ها با استفاده از روش وزن‌دهی آنتروپی شانون به دست آورده شد. این روش براساس پراکندگی مقادیر شاخص‌ها، اوزان مربوط به هر شاخص را حساب می‌کند. آنتروپی قابلیت این را دارد که در صورتی که تصمیم‌گیرندگان ارزیابی اولیه‌ای از اهمیت شاخص‌ها داشته باشند، وزن شاخص‌ها را محاسبه کند. به بیانی

جدول ۱۰. ماتریس وزن معیارها

وزن هریک از شاخص‌ها											
نحوه استفاده از انرژی و منابع	بر خورد با محیط زیست	مصرف گرایبی	مدگرایی	تغییر فرهنگی و زبانی	مادی گرایی	درآمدزایی	تغییر در لباس و پوشاک	کاربرد فناوری نوین	الگوی تغذیه	تغییرات رفتاری	
۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۰۶	

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

تحلیل اثرات شکرکبابی بر تغییر و تحولات بک زندگی زنان روستایی موردنمایی: شهرستان اشتر

گام سوم: نرمالیزه کردن ماتریس تصمیم‌گیری با که در اینجا q_i وزن شاخص q_i مقدار x_{ij} مقدار گزینه q_i است، استفاده از تابع:

$$d_{ij} = \frac{q_i}{\sum_{j=1}^n x_{ij}}$$

است. $\sum_{j=1}^n x_{ij}$ مجموع شاخص‌های q_i برای گزینه q_i است.

جدول ۱۱. مقادیر نرمالیزه شده شاخص‌ها

معیارها											
روستاها	تغییرات رفتاری	الگوی تغذیه	کاربرد فناوری نوین	تغییر در لباس و پوشاک	درآمدزایی	مادی گرایی	تغییر فرهنگی و زبانی	مدگرایی	مصرف گرایی	بخورد با محیط زیست	نحوه استفاده از انرژی و منابع
آبباریک بالا	۰/۰۰۴۷۲	۰/۰۰۸۹۵	۰/۰۰۷۲۱	۰/۰۰۹۲۹	۰/۰۰۷۳۷	۰/۰۰۸۹۷	۰/۰۰۵۵۵	۰/۰۱۱۷۵	۰/۰۱۰۱۳	۰/۰۰۹۵۰	۰/۰۰۷۳۸
آبباریک پایین	۰/۰۰۵۱۳	۰/۰۰۷۹۸	۰/۰۰۶۸۵	۰/۰۱۰۴۲	۰/۰۰۷۳۳	۰/۰۰۷۹۸	۰/۰۰۵۵۶	۰/۰۱۲۱۱	۰/۰۱۰۷۶	۰/۰۰۹۷۵	۰/۰۰۷۸۲
اصلان‌شاهی	۰/۰۰۵۹۲	۰/۰۰۷۳۳	۰/۰۰۶۵۸	۰/۰۰۰۸۶	۰/۰۰۸۰۱	۰/۰۰۸۶۴	۰/۰۰۵۶۳	۰/۰۱۲۳۴۵	۰/۰۱۰۱۰	۰/۰۰۹۶۵	۰/۰۰۸۰۱
تملیه	۰/۰۰۵۶۶	۰/۰۰۷۲۵	۰/۰۰۶۲۶	۰/۰۰۹۴۹	۰/۰۰۶۹۷	۰/۰۰۸۱۳۱	۰/۰۰۶۰۴	۰/۰۱۱۴۱	۰/۰۱۰۳۷	۰/۰۱۱۶۰	۰/۰۰۸۱۲
بتکی	۰/۰۰۴۸۲	۰/۰۰۰۸۹	۰/۰۰۷۱۴	۰/۰۰۹۴۴	۰/۰۰۷۷۵	۰/۰۰۸۷۲۸	۰/۰۰۵۸۱۹	۰/۰۱۳۳۳	۰/۰۱۰۰۵	۰/۰۱۱۶۰	۰/۰۰۸۶۱۴
ده حسنعلی	۰/۰۰۸۱۳	۰/۰۰۶۸۵	۰/۰۰۶۸۴	۰/۰۰۱۳۷	۰/۰۰۷۲۸	۰/۰۰۹۱۷۸	۰/۰۰۵۰۱۱	۰/۰۱۳۳۳	۰/۰۱۰۴۱	۰/۰۱۰۸۱	۰/۰۰۸۵۹
عدل آاد	۰/۰۰۵۳۰	۰/۰۰۰۶۹	۰/۰۰۷۳۰	۰/۰۰۹۷۲	۰/۰۰۷۴۰	۰/۰۰۸۲۱۹	۰/۰۰۶۲۹	۰/۰۱۱۱۳	۰/۰۱۰۲۰	۰/۰۱۰۳۷	۰/۰۰۸۱۳
کهریز	۰/۰۰۶۸۸	۰/۰۰۸۴۲	۰/۰۰۶۳۳	۰/۰۱۰۶۸	۰/۰۰۷۵۵	۰/۰۰۶۷۹۸	۰/۰۰۵۷۹۱	۰/۰۱۰۷۹	۰/۰۱۰۲۸	۰/۰۱۰۲۸	۰/۰۰۶۶۱
شیخ‌آباد	۰/۰۰۵۴۷	۰/۰۰۷۵۳	۰/۰۰۶۸۰	۰/۰۱۰۰۴	۰/۰۰۷۵۵	۰/۰۰۸۵۰۱	۰/۰۰۵۹۵۱	۰/۰۱۱۳۳	۰/۰۰۹۳۵	۰/۰۱۱۷۷	۰/۰۰۷۰۵
درویش‌آباد	۰/۰۰۶۲۰	۰/۰۰۸۳۴	۰/۰۰۶۰۷	۰/۰۰۹۴۸	۰/۰۰۷۴۵	۰/۰۰۸۳۸۳	۰/۰۰۶۲۷	۰/۰۱۰۲۴	۰/۰۱۰۲۴	۰/۰۰۹۴۸	۰/۰۰۷۱۵

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

باشد، نشان‌دهنده رتبه بالاتر آترناتیو در اولویت‌بندی است. در اینجا آترناتیو ایده‌آل یا آترناتیوی که بهترین حالت ممکن را دارد، همیشه بالاترین مقدار را دارد.

گام هفتم: مرحله نهایی، مشخص کردن آترناتیوی است که بهترین وضعیت را در بین معیارها دارد. با افزایش یا کاهش رتبه هر آترناتیو، درجه اهمیت آن آترناتیو نیز افزایش یا کاهش می‌یابد. آترناتیوهایی که بهترین وضعیت را به لحاظ معیارها داشته‌اند، بالاترین درجه اهمیت N_j برابر با ۱۰۰ درصد است. مقدار کلی درجه اهمیت هر معیار از ۰ تا ۱۰۰ درصد متغیر است و در میان این دامنه بهترین و بدترین آترناتیو تعیین می‌شود (حاجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۳). در این پژوهش چون هدف سنجش میزان اولویت هر یک از روستاهای مورد مطالعه از لحاظ سبک زندگی بوده‌است، گزینه‌ای که بالاترین مقدار Q_j را دارد، اولویت را در میان شاخص‌ها به خود اختصاص داده‌است.

درجه اهمیت هر N_j آترناتیو A_j براساس فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$N_j = \frac{Q_j}{Q_{max}} \times 100$$

گام چهارم: این مرحله محاسبه وزن معیار نرمالیزه‌شده است که در آن مجموع معیارهای نرمالیزه‌شده وزنی توصیف‌کننده آترناتیوها، یعنی λ_m است که محاسبه شده‌است. آترناتیوهایی که به وسیله معیارهای مثبت محاسبه می‌شوند، S_j^+ و آترناتیوهایی که به وسیله معیارهای منفی محاسبه می‌شوند S_j^- می‌گویند.

مجموع S_j^+ و S_j^- براساس فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$S_j^+ = \sum_{zi} =^+ d_{ij}$$

$$S_j^- = \sum_{zi} =^- d_{ij}$$

گام پنجم: این مرحله، رتبه‌بندی مقایسه‌ای آترناتیوها است که براساس معیارهای مثبت (+) و منفی (-) محاسبه می‌شوند. اهمیت نسبی Q_j از هر آترناتیو A_j بر طبق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$Q_j = S_j^+ + \frac{S_{-min}^n \sum_j^n = 1 S_j^- x}{S_j^- \sum_j^n = 1 \frac{S_{-min}^-}{S_j^-}} = S_j^+ + \frac{\sum_j^n = 1 S_j^-}{S_j^- \sum_j^n = 1 \frac{1}{S_j^-}} + \dots$$

گام ششم: در این مرحله محاسبه آترناتیوها براساس مقدار Q_j انجام می‌شود. هر چه مقدار Q_j بزرگ‌تر

جدول ۱۲. رتبه‌بندی روستاهایی مورد مطالعه برحسب میزان اهمیت تغییرات سبک زندگی

رتبه	$N_j(00)$	Q_j	S_j^-	S_j^+	روستاها
۱۰	۲۹/۲۶۴۰۲	۱۶۳/۳۳۷۲	۰/۰۱۹۶۴	۰/۲۹۰۴۱	آب‌باریک بالا
۸	۹۲/۴۸۶۲۵	۵۱۶/۲۱۲۱	۰/۰۲۰۵۲	۰/۰۹۱۷۴	آب‌باریک پایین
۵	۹۳/۳۹۹۳۹	۵۲۱/۳۰۸۷	۰/۰۱۹۷۶	۰/۰۹۰۸۴	اصلان‌شاهی
۶	۹۲/۸۸۲۹۷	۵۱۸/۴۲۶۴	۰/۰۲۱۹۸	۰/۰۹۱۳۵	تملیه
۹	۸۸/۱۵۰۲۲	۴۹۲/۰۱۰۵	۰/۰۲۱۶۶	۰/۰۹۶۲۵	بتکی
۱	۱۰۰	۵۵۸/۱۵۰۱	۰/۰۲۱۱۲	۰/۰۸۴۸۴	ده حسنعلی
۴	۹۲/۵۲۲۵۲	۵۲۰/۴۸۹	۰/۰۲۰۵۷	۰/۰۹۰۹۸	عدل‌آباد
۳	۹۳/۸۰۸۷۳	۵۲۳/۵۹۳۵	۰/۰۲۰۵۷	۰/۰۹۰۴۴	کهریز
۷	۹۲/۸۴۸۱۵	۵۱۸/۲۳۲	۰/۰۲۱۱۲	۰/۰۹۱۳۸	شیخ‌آباد
۲	۹۳/۸۲۴۳۶	۵۲۲/۰۰۶۳	۰/۰۱۹۷۳	۰/۰۹۰۷۲	درویش‌آباد

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶)

پدیده شد و در آینده نزدیک این روستاها تحت تأثیر تغییرات سبک زندگی خواهند بود؛ بنابراین تفاوت فضایی در بین این روستاها، ناشی از نگرش افراد به سبک زندگی، نوآوری جدید و گرایش به سمت زندگی ماشینی و تجملی باعث شده که این روستاها از لحاظ فضایی متفاوت باشند.

نتیجه گیری

با توجه به دیدگاه‌های شهرگرایی و سبک زندگی از نظر صاحب‌اندیشان و بررسی‌های صورت گرفته توسط محققان، می‌توان اظهار کرد که خصوصیات اجتماعی هر منطقه، متأثر از بروز تحولات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، توسعه شیوه‌ها و شبکه‌های ارتباطی و تأمین خدمات و تسهیلات زندگی بوده و در گذر زمان، تغییر در هریک از عوامل اولیه، نظام اجتماعی روستا و سبک زندگی روستاییان را دستخوش دگرگونی ساخته است؛ از این رو بررسی کم‌وکیف سبک زندگی، میزان و نحوه تعاملات اجتماعی در پی دگرگونی الگوهای زندگی ضروری آمده و توانسته زمینه را برای تغییر و تحولات سبک زندگی زنان و روستاییان فراهم کند؛ بنابراین می‌توان یافته‌های این تحقیق را با تحقیقات دیگران از جمله: سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۴؛ افراسیابی و مرادی فرد، ۱۳۹۴؛ یاری حصار و همکاران، ۱۳۹۵ و بذرافشان و طولابی نژاد، ۱۳۹۶ مقایسه کرد که نتایج آن‌ها نشان دادند که اثرات نوسازی از یک طرف سبب تغییراتی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، محیطی، رشد جمعیت، توسعه و افزایش علاقه و انگیز افراد به سبک مدرن شده‌است و از سوی دیگر، به دلیل قرار گرفتن روستاها در شرایط گذار توسعه‌ای از سنت به مدرنیته و حتی پُست‌مدرنیته، سبک زندگی در ابعاد مختلف در حالت درآمیختگی قرار داشته و افراد جوان به‌خصوص زنان روستایی، گرایش به سبک زندگی شهری دارند که تا حدودی با پژوهش حاضر همسویی خاصی دارد؛ بنابراین به‌منظور تحلیل اثرات

جدول ۱۲ نشان می‌دهد که تحلیل فضایی توزیع روستاها در بخش مورد مطالعه در شاخص‌های: تغییرات رفتاری، الگوی تغذیه، کاربرد فناوری، تغییر در لباس و پوشاک، درآمدزایی، مادی‌گرایی، تغییر فرهنگی و زبانی، مُدگرایی و مصرف‌گرایی، برخورد با محیط‌زیست، نحوه استفاده از انرژی و منابع، نشان‌دهنده تفاوت‌های زیادی در بین آن‌ها است؛ به‌طوری که ده حسنعلی و درویش‌آباد با مجموعه N (۱۰۰/۰۰ و ۹۳/۸۲) به دلیل پذیرش جمعیت زیاد، داشتن امکانات و دسترسی‌های مناسب و نزدیکی به مراکز شهری، دارای بیشترین تغییر و تحولات روستاهای آب‌باریک بالا و بتکی غیبی و میراحمدی با مجموعه N (۲۹/۲۶ و ۸۸/۵۰) به دلیل فاصله زیاد از مراکز دهستان و جمعیت کمتر نسبت به دیگر روستاهای مورد مطالعه، دارای کمترین تغییر و تحولات سبک زندگی بوده‌اند. همچنین روستاها را از لحاظ تفاوت‌های فضایی می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد؛ یعنی روستاهای ۵ رتبه نخست، دارای نگرش جدیدی به سبک زندگی هستند، به‌طوری که تقاضای آن‌ها به خرید کالاها، مصرفی و تزئینی بیشتر از ضرورت‌های کارکردی آن‌هاست و ورود خدمات زیربنایی و عمرانی به روستا، ورود وسایل ارتباطی جمعی جدید، ارتباط شهرنشینان، تغییرات پراکنده پخش فضایی از نظر نوآوری و فرهنگی و... منجر به حرکت زنان روستایی از سبک زندگی روستایی به سمت سبک زندگی شهری شده‌است، به‌طوری این اثرات در این روستاها مشهود شده‌است. روستاهایی که در ۵ رتبه آخر قرار دارند، نسبت به روستاهای رتبه‌های اول، دچار تغییرات سبک زندگی شده‌اند، اما نسبت به آن، این تغییرات کمتر دیده شده‌است. از دلایل آن می‌توان به انزوای جغرافیای نسبت به مرکز شهری اشاره کرد که در برخی از این مناطق، هنوز سنت و فرهنگ ساختاری و فرهنگی بومی خود را تا حدودی حفظ کرده‌است، اما نمی‌توان مانع این

خانه اشاره کرد و از تبعات منفی آن می‌توان به علاقه به استفاده از غذای آماده شهری، علاقه به استفاده از غذاهای رستورانی، علاقه به کاهش استفاده از لباس محلی و علاقه به افزایش استفاده از وسایل آرایشی و بهداشتی، عدم تمایل به مدل‌ها و پوشش بومی و محلی، افزایش تنوع در مصرف مواد غذایی و استفاده از وسایل لوکس و تجملی و... اشاره کرد؛ بنابراین در فرایند شهرگرایی به‌عنوان یک پدیده فراگیر، برنامه‌ریزی برای تأثیرگذاری در کنار تأثیرپذیری، یکی از اهداف اصلی جوامع روستایی است. با در نظر داشتن جنبه‌های مثبت و منفی برای شهرگرایی، می‌توان آن را به‌عنوان یک فرصت و تهدید همزمان تلقی کرد که نیازمند تلاش برای استفاده از فرصت‌ها و کاهش تهدیدها است.

به‌همین دلیل، شهرگرایی از طریق ابزارها و شکل‌های گوناگون در جوامع روستایی، زندگی زنان روستایی امروزی را تحت تأثیر خود قرار داده‌است؛ بنابراین شهرگرایی در منطقه مورد مطالعه از طریق تغییرات در شیوه خدمات، ابزارها و کالاهای مختلفی به سطوح مناطق روستایی به زندگی زنان روستایی منتقل شده و شیوه و سبک زندگی آن‌ها را تغییر داده‌است؛ به‌همین دلایل امروزه سبک زندگی زنان روستاها در منطقه مورد مطالعه در معرض تغییرات شدید قرار گرفته‌است.

منابع

ازکیا، مصطفی و حسینی رودبارکی، سکینه. (۱۳۸۹). تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی، فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی - مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۲۴۱-۲۴۴.

http://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-1-44&slc_lang=fa&sid=fa

شهرگرایی بر تغییر و تحولات سبک زندگی زنان روستایی، در روستاهای شهرستان الشتر این تحقیق صورت گرفت. برای پاسخگویی به هدف سؤالات مطرح‌شده، ضمن بررسی دیدگاه‌ها و نظریات ارائه‌شده توسط محققان، از مطالعه میدانی (پرسشنامه و مشاهده) نیز استفاده شد. یافته‌های تحقیق از یک سو نشان داد که از نظر زنان روستایی و از منظر شاخص‌های سبک زندگی (تغییرات رفتاری، الگوی تغذیه، کاربرد فناوری نوین، تغییر در لباس و پوشاک، درآمدزایی، مادی‌گرایی، تغییر فرهنگی و زبانی، مُدگرایی، مصرف‌گرایی؛ برخورد با محیط‌زیست و نحوه استفاده از انرژی و منابع) و از نظر شاخص شهرگرایی، اختلاف معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ درصد وجود دارد؛ بنابراین مؤلفه‌های تغییر در لباس و پوشاک و مُدگرایی با میانگین ۳/۸۸ و مصرف‌گرایی با میانگین ۳/۸۴ بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های سبک زندگی و مؤلفه‌های شهرگرایی، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد، به‌طوری‌که ضریب همبستگی اسپیرمن بین مؤلفه‌های شهرگرایی با مؤلفه‌های سبک زندگی زنان برای الگوی تغذیه ۰/۳۲۴، کاربرد فناوری نوین ۰/۳۲۵، تغییر در لباس و پوشاک ۰/۲۷۵، درآمدزایی ۰/۱۱۷، مادی‌گرایی ۰/۳۰۵، تغییر فرهنگی و زبانی ۰/۳۱۱، مُدگرایی ۰/۵۸۷، مصرف‌گرایی ۰/۵۶۳، برخورد با محیط‌زیست ۰/۳۸۶ و نحوه استفاده از انرژی و منابع ۰/۳۲۷ است؛ بنابراین اثرات شهرگرایی زمینه را برای تغییر سبک زندگی زنان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی در مناطق مورد مطالعه فراهم کرده‌است که از جمله پیامدهای مثبت آن می‌توان به علاقه به پخت‌وپز غذا به روش‌های نوین؛ عضویت در شبکه‌های اجتماعی، استفاده از مبلمان در منزل، استفاده از سبک شهری و دکوراسیون در منازل و تغییر در کالبد و ساخت‌وساز

سجاسی قیصری، حمدالله؛ صادقلو، طاهره و شهدادی علی. (۱۳۹۴). آثار جهانی شدن بر تغییرات سبک زندگی در نواحی روستایی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، دوره هفتم، شماره ۴، صص ۱۸۸-۱۵۳.

http://www.isih.ir/article_204.html

سعیدی، عباس. (۱۳۹۰). روابط و پیوندهای روستایی-شهری در ایران. تهران: انتشارات مهر مینو. چاپ اول.

<https://www.gisoom.com/book/>

شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی شهری. تهران: سمت. چاپ اول.

<https://www.adinehbook.com/gp/product/9645303165>

شکوئی، حسین. (۱۳۸۷). دیدگاه‌های نو در جغرافیای انسانی، جلد اول. تهران: سمت. چاپ سوم.

<https://www.adinehbook.com/gp/product/6000200048>

صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۶۹). انسان و شهرنشینی، مطالعات جامعه‌شناختی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دوره یک، شماره ۴، صص ۲۲۶-۱۹۸.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage>

فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: انتشارات صبح صادق. چاپ اول.

<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/701972>

فنی، زهره. (۱۳۸۲). شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای. تهران: نشر آذرخش. چاپ اول.

<https://www.adinehbook.com/gp/product/9646294035>

محمدی یگانه، بهروز و حسین‌زاده، اکبر. (۱۳۹۲). نقش عملکردی روستا-شهرها در توسعه روستاهای پیرامونی (مطالعه موردی: شهر زرین‌رود، شهرستان خدابنده)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه آزاد مرودشت، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۶۴-۵۵.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=213991>

مکانیکی، جواد، سرزهی، زهرا و اسکندرثانی، محمد. (۱۳۹۵). کارکرد فضایی شهرهای کوچک در ارتباط با روستاهای پیرامون (مورد شهر سریشه)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه

افراسیابی، حسین و مرادی‌فر، طاهره. (۱۳۹۴). بازسازی معنایی تغییر سبک زندگی زنان لر، شهر یاسوج، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، دانشگاه الزهراء، سال سیزدهم، شماره ۳، صص ۹۸-۷۷.

https://jwsps.alzahra.ac.ir/article_2152.html

ایزدی، حسن و نوذری، معراج. (۱۳۹۲). ارتقای روستا به شهر و تأثیر آن در تحول تعامل‌های روستایی-شهری (مطالعه موردی: بخش بیضاء-شهرستان سپیدان)، پژوهش‌های روستایی، دانشگاه تهران، سال چهارم، شماره ۱، صص ۷۷-۱۰۰.

https://jrur.ut.ac.ir/article_31972.html

بذرافشان، جواد و طولابی‌نژاد، مهرشاد. (۱۳۹۶). بررسی آثار نوسازی بر تغییر و تحولات سبک زندگی خانوارهای روستایی، بخش مرکزی شهرستان پلدختر، مجله جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دوره ۱۵، شماره ۴۶، صص ۷۸-۶۱.

https://gdij.usb.ac.ir/article_3033.html

جلائی‌پور، حمیدرضا و عبدالله‌پور، جمال. (۱۳۹۰). تمایز شهرگرایی و شهرنشینی؛ بررسی شهرگرایی در مناطق کردنشین ایران با تأکید بر شهر سردشت، مجله مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه خوارزمی، سال دوم، شماره ۱، صص ۳۷-۷.

<https://jspi.khu.ac.ir/article-1-246-fa.html>

حاجی‌نژاد، علی؛ فتاحی، احدالله و پایدار، ابودر. (۱۳۹۴). کاربرد مدل‌ها و فنون تصمیم‌گیری در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی روستایی، شهری و گردشگری. زاهدان: انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان. چاپ اول.

<https://www.gisoom.com/book/>

ذکابی، محمد سعید (۱۳۸۱). تحول الگوهای سبک زندگی جوانان در ایران، پژوهشنامه سبک زندگی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

https://iribresearch.ir/paygah_marakez/cities/akhbar_text.aspx?id=18204&ccode=23

رستمی، احسان و اردشیرزاده، مرجان. (۱۳۹۲). نگاهی به نظریه‌های سبک زندگی، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، مرکز تحقیقات صدا و سمیا، سال دوم، شماره ۳، صص ۳۱-۹.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/55338/9/text>

Gottdicaner, M and, Hutchison. (2006). the new Urban Sociology Third Edition, Colorado: West View Press.
<https://doi.org/10.1002/9781118568446.eurs0467>

Lynch, K, (2005). Rural-urban Interaction in the Developing World, Routledge, London and New York. <https://doi.org/10.4324/9780203646274>
http://www.jicr.ir/article_75.html

Tacoli Cecilia, 1998, Rural-urban Interactions: a guide to the literature, Environment and Urbanization, Vol. 10, No. 1, PP. 147-166. .
<https://doi.org/10.1177/095624789801000105>

Low, P and Freeman, I. (2007). "Fashion marketing to women in Kazakhstan", Journal of Fashion Marketing and Management, 11 (1): 41-55.
<https://doi.org/10.1108/13612020710734391>

Caves, Roger W. (2005). Encyclopedia of the City, London and New York: Rutledge.
https://books.google.com/books/about/Encyclopedia_of_the_City.html?id=xrD1iuM_2LgC

Lin, X, (2013). Gender, Modernity and Male Migrant Workers in China: Becoming a 'modern' Man, London, Publisher London: Routledge, 4 Apr 2013, PP 150. DOI:
<https://doi.org/10.1017/S0305741014000897>

Naz, A., Khan, W., Daraz, U., & Hussain, M. (2012). The Crises of identity: Globalization and its impacts on socio-cultural and psychological identity among Pakhtuns of Khyber Pakhtunkhwa Pakistan. Available at SSRN 2082990.
https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2082990

روستایی، دانشگاه خوارزمی تهران، سال پنجم، شماره ۱، پیاپی ۱۵، صص ۴۳-۶۰.

https://serd.khu.ac.ir/browse.php?a_id=2590&sid=1&slc_lang=fa

ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهر. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ دوم.

<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/642157>

مهدوی کنی، محمدسعید. (۱۳۸۶). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱. صص ۲۳۰-۱۹۹.

نازک تبار، حسین؛ ملانیا جلودار، شهرام و حسینی دورنکلائی، سیده زهرا. (۱۳۹۴). تحلیلی بر نوسازی و کارکرد خانواده در استان مازندران، فصلنامه مطالعات زن و خانواده، دانشگاه الزهراء، دوره سوم، شماره ۲، صص ۱۴۹-۱۲۱.

https://jwfs.alzahra.ac.ir/article_2210.html

باری حصار، ارسطو؛ حیدری، وکیل و نارینی، ریحانه. (۱۳۹۵). مطالعه تغییر سبک زندگی و اثرات و پیامدهای آن بر تولید و توسعه روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان اردبیل)، مطالعه توسعه اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، سال نهم، شماره ۱، صص ۶۹-۸۶.

http://jisds.srbiau.ac.ir/article_10526.html

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



پروژه نگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني